

نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره)

مقدمه

آمریکا در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، به منظور تحکیم نفوذ و موقعیت خود در ایران، حکومت شاه را وادار کرد تا در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی اصلاحاتی را انجام دهد. اجرای چنین برنامه‌هایی در ایران موجب شکل‌گیری نهضت اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره) شد، که در این درس با آن آشنا می‌شوید.

اصلاحات آمریکایی در ایران

آمریکا برای حفظ سلطه خود در ایران از محمدرضا شاه خواست تا با انجام اصلاحات اجتماعی، مانع از بروز جنبش‌های اعتراضی و شکل‌گیری نهضت‌های مردمی شود. البته برنامه اصلاحات فقط به ایران محدود نمی‌شد، بلکه در سایر کشورهای تحت سلطه و نفوذ آمریکا نیز برای تحقق اهداف زیر، به اجرا درآمد.

- ۱- اعتبار بخشیدن به افراد دست‌نشانده خود در این کشورها
 - ۲- کاهش فشار بر مردم زیر سلطه
 - ۳- فریب مردم و جلوگیری از شکل‌گیری حرکت‌های مردمی
 - ۴- دین‌زدایی و زمینه‌سازی برای گسترش نفوذ آمریکا در ایران
- الف) تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی

با رحلت آیت‌الله بروجردی در فروردین ۱۳۴۰، محمدرضا شاه فرصت را برای اجرای اصلاحات آمریکایی در ایران مناسب دید. ابتدا علی‌امینی مأمور اجرای اصلاحات موردنظر آمریکا شد، اما

رقابت شاه و امینی سرانجام به کناره‌گیری امینی انجامید و دولت اسدالله علم مأمور اجرای اصلاحات موردنظر شد^۱.

در آغاز، اصلاح لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بهانه مناسبی برای پیشبرد اهداف موردنظر بود. اساسی‌ترین اصلاحاتی که در قانون انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی صورت گرفت عبارت بود از:

۱- لغو شرط مسلمان و مرد بودن برای انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان

۲- لغو سوگند به قرآن مجید و تبدیل آن به سوگند به کتاب آسمانی

ب) اصول شش‌گانه

محمدرضا شاه در ادامه اجرای نیت و اهداف آمریکا، اصول شش‌گانه‌ای را تحت عنوان انقلاب سفید، مطرح و دولت علم آن را تصویب کرد. شاه سپس همه‌پرسی فرمایشی اصول شش‌گانه را در ۶ بهمن ۱۳۴۱ برگزار کرد. این اقدام با استقبال دولت‌های آمریکا، انگلستان و حتی شوروی همراه شد.

ج) آغاز مبارزه و رهبری امام خمینی(ره)

۱- مخالفت با تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی: اولین فعالیت سیاسی



امام خمینی رهبر نهضت اسلامی ایران

امام خمینی(ره) در جایگاه مرجعیت شیعه، اعتراض به تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود. ایشان این قانون را مقدمه‌ای برای تضعیف اسلام و افزایش حضور بهائیان در ارکان حکومتی پهلوی می‌دانست. بنابراین با دعوت از علمای سرشناس قم به اظهارنظر درباره تصویب‌نامه مذکور پرداخت. سرانجام امام خمینی و یارانش با هوشیاری و مقاومت، دولت علم را وادار به عقب‌نشینی و لغو آن تصویب‌نامه در ۷ آذر ۱۳۴۱ کردند.

۲- مخالفت با اصول شش‌گانه: امام خمینی هنگام طرح انقلاب سفید، مراجع دینی را به یاری فراخواند و از محمدرضا شاه در این باره توضیح خواست^۲.

۱- به دلیل انحلال مجلس شورای ملی در اردیبهشت ۱۳۴۰، قانون جدید انجمن‌های ایالتی و ولایتی در هیئت دولت تصویب شد.

۲- نماینده امام خمینی و علما برای رفتن نزد شاه، آیت‌الله کمالوند بود. اما محمدرضا شاه به جای دادن پاسخ صریح و روشن درباره انقلاب سفید از علمای دینی ایران خواست تا مانند دیگر کشورها دعاگوی پادشاه کشورشان باشند.

اما زمانی که با بی‌اعتنایی و توهین شاه مواجه شد، با انتشار اعلامیه‌ای در ۲ بهمن ۱۳۴۱، همه‌پرسی (رفراندوم) فرمایشی محمدرضا شاه را غیرقانونی اعلام کرد.^۱ بیشتر مراجع تقلید نیز به دعوت امام خمینی همه‌پرسی را تحریم کردند. در تهران و قم نیز تظاهرات گسترده‌ای برپا شد و رژیم پهلوی با استفاده از نیروی نظامی قیام مردم تهران و قم را سرکوب کرد و اوضاع را تحت کنترل درآورد.

۳- فاجعه فیضیه و تحریم تقيه از سوی امام خمینی (ره): امام خمینی (ره) به همراه مراجع تقلید، در اعتراض به عملکرد حکومت پهلوی، عید نوروز ۱۳۴۲ را عزای عمومی اعلام کردند و به افشاگری علیه اقدامات شاه پرداختند.

اوج این حرکت اعتراضی در مدرسه فیضیه قم بود که با خشونت مأموران رژیم به یک فاجعه تاریخی مبدل شد. در جریان حمله و حشيانه نیروهای امنیتی رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه قم^۲ و مدرسه طالبیه تبریز تعدادی از طلاب شهید و مجروح شدند. به دنبال این جنایت، امام خمینی (ره) با بیانات شدیدالحنی شاه را مورد خطاب و عتاب قرار داد و تقيه و سکوت در مقابل ظلم و جور را حرام دانستند.

قیام با شکوه ۱۵ خرداد

در آستانه ماه محرم ۱۳۸۳/۱۳۴۲ ش. امام خمینی (ره) در رهنمودهای خود به سخنرانان مذهبی سفارش کردند که خطر اسرائیل را به مردم تذکر دهید و در مراسم نوحه‌خوانی و سینه‌زنی از مصیبت‌های وارد شده به اسلام و مراکز دینی یاد کنید.



شرکت امام خمینی در هیئت‌های عزاداری قم (محرم ۱۳۸۳ ق./ ۱۳۴۲ ش.).

۱- صحیفه امام، ج ۱، ص ۱۴۳

۲- روز دوم فروردین ۱۳۴۲، مصادف با سالروز شهادت امام جعفر صادق علیه‌السلام

در عوض رژیم پهلوی نیز عده‌ای از سخنرانان را به ساواک برد و پس از تهدید، ادامه سخنرانی آنها را مشروط به رعایت موارد زیر کرد :

۱- علیه شخص اول مملکت سخن نگویند.

۲- علیه اسرائیل سخنی به میان نیاورند.

۳- مرتب به گوش مردم نخوانند که اسلام در خطر است.

لیکن برخلاف تصور و خواست حکومت پهلوی، عاشورای سال ۱۳۴۲ش. حال و هوای دیگری داشت و مردم با شعار زیر به حمایت از امام خمینی به خیابان‌ها آمدند :

خمینی خمینی خدا نگهدار تو بمیرد بمیرد دشمن خونخوار تو

امام خمینی نیز علی‌رغم محدودیت‌های اعمال پهلوی برای ایشان، در عصر روز عاشورا در قم به منبر رفت و در نطق تاریخی خود مستقیماً شاه را مورد خطاب قرار داد و با شجاعت تمام به افشاگری علیه خاندان پهلوی و سیطره آمریکا و اسرائیل بر ایران پرداخت. این سخنان عاشورایی چنان محمدرضاشاه و عمالش را خشمگین کرد که دستور دستگیری امام و انتقال ایشان را به تهران صادر کرد.



امام خمینی (ره) در حال سخنرانی در مدرسه فیضیه قم

دستگیری امام واکنش‌های مختلفی را به همراه داشت. در قم مراجع و علمای دینی در منزل آیت‌الله سیداحمد زنجانی جمع شدند و بعد از انتشار اعلامیه‌ای در تقبیح دستگیری امام خمینی، به حرم حضرت معصومه (س) رفتند. این اجتماع عمومی که زنان مسلمان نیز در آن حضور چشمگیری داشتند، با یورش وحشیانه عمال رژیم پهلوی به خاک و خون کشیده شد.

در تهران نیز مردم با شنیدن خبر دستگیری امام، آماده قیام و حرکت شدند و اقشار مختلف اجتماعی با فریاد «یا مرگ یا خمینی» و «مرگ بر شاه» اعتراض خود را نسبت به این موضوع ابراز داشتند. در اثر هجوم نیروهای نظامی و امنیتی رژیم به تظاهرکنندگان تعدادی از مردم انقلابی تهران به خاک و خون کشیده شدند. مردم مسلمان و رامن نیز با شنیدن خبر دستگیری امام کفن پوشیدند و به سوی تهران حرکت کردند اما با یورش مأموران حکومتی تعدادی از آنها شهید و مجروح شدند. در دیگر شهرها از جمله شیراز، اصفهان و مشهد نیز تظاهراتی در اعتراض به دستگیری امام برپا شد. در نتیجه قیام پانزده خرداد، علاوه بر آنکه جمع زیادی شهید و مجروح شدند، تعداد زیادی از مبارزان دستگیر و به اعدام، زندان و یا تبعید محکوم گردیدند.



قیام مردم تهران در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲

قسمتی از سخنرانی امام خمینی در روز عاشورا

بسم الله الرحمن الرحيم - الآن عصر عاشورا است... گاهی که وقایع روز عاشورا را از نظر می گذرانم، این سؤال برایم پیش می آید که اگر بنی امیه و دستگاه یزید بن معاویه تنها با حسین، سر جنگ داشتند، آن رفتار وحشیانه و خلاف انسانی چه بود که در روز عاشورا با زن های بی پناه و اطفال بی گناه مرتکب شدند؟ بچه خردسال چه تقصیر داشت؟ زن ها چه تقصیر داشتند؟ نظرم این است آنها با اساس سروکار داشتند، بنی هاشم را نمی خواستند، بنی امیه با بنی هاشم مخالفت داشتند، نمی خواستند شجره طیبه باشد. همین فکر در ایران [وجود] داشت. اینها با بچه های شانزده - هفده ساله ما چه کار داشتند؟ سید شانزده - هفده ساله^۱ به شاه چه کرده بود؟ به دولت چه کرده بود؟ به دستگاه های سفاک چه کرده بود؟ لکن این فکر پیش می آید که اینها با اساس مخالفند، با بچه مخالف نیستند. اینها نمی خواهند که اساس موجود باشد؛ اینها نمی خواهند صغیر و کبیر ما موجود باشد.

اسرائیل نمی خواهد در این مملکت دانشمند باشد؛ اسرائیل نمی خواهد در این مملکت قرآن باشد؛ اسرائیل نمی خواهد در این مملکت علمای دین باشند؛ اسرائیل نمی خواهد در این مملکت احکام اسلام باشد. اسرائیل به دست عمال سیاه خود، مدرسه آرا کوید. ما را می کویند؛ شما ملت را می کویند. می خواهد اقتصاد شما را قبضه کند؛ می خواهد زراعت و تجارت شما را از بین ببرد؛ می خواهد در این مملکت، دارای ثروتی نباشد، ثروت ها را تصاحب کند به دست عمال خود. این چیزهایی که مانع هستند، چیزهایی که سد راه هستند، این سدها را می شکنند؛ قرآن سد راه است، باید شکسته شود؛ روحانیت سد راه است، باید شکسته شود؛ مدرسه فیضیه سد راه است، باید خراب شود؛ طلاب علوم دینی ممکن است بعدها سد راه بشوند، باید از پشت بام بیفتند، باید سر و دست آنها شکسته شود برای اینکه اسرائیل به منافع خودش برسد؛ دولت ما به تبعیت اسرائیل به ما اهانت می کند... .

۱- آقای سید یونس رودباری، یکی از شهدای فاجعه فیضیه

۲- مدرسه «فیضیه» قم و مدرسه «طالبیه» تبریز که همزمان مورد یورش وحشیانه عمال شاه قرار گرفتند.

نتایج قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲^۱

مهم‌ترین تأثیرات و نتایج قیام خونین پانزده خرداد ۱۳۴۲ را می‌توان این‌گونه برشمرد :

۱- تکامل جریان مبارزه و کم‌رنگ شدن جاذبه گروه‌های سیاسی؛ بعد از سخنرانی روشنگرانه امام خمینی، سرنگونی رژیم پهلوی به عنوان هدف نهایی مبارزه مطرح شد و احزابی که با پذیرش اساس سلطنت در چارچوب قانون اساسی پهلوی فعالیت سیاسی می‌کردند محبوبیت و جاذبه خود را از دست دادند.

۲- افزایش آگاهی سیاسی در حوزه‌های علمیه و میان روحانیون؛ حضور یک مرجع تقلید برجسته مانند امام خمینی در صحنه سیاسی بسیاری از طلاب و روحانیون را به مسائل سیاسی و اجتماعی علاقه‌مند کرد.

۳- حضور فراگیر همه اقشار اجتماعی در صحنه مبارزه با رژیم؛ تا قبل از قیام پانزده خرداد مبارزه با استبداد و استعمار به گروه‌های خاص مانند روحانیون، دانشجویان و بازاریان محدود می‌شد اما هنگامی که امام خمینی (ره) مبارزه با طاغوت زمان را یک تکلیف الهی و انسانی برای همه دانست، بیشتر اقشار جامعه به صحنه مبارزه آمدند و میان قشر روحانی و دانشگاهی پیوند تازه‌ای برقرار شد.

۴- برجسته شدن رهبری امام خمینی و مذهب به عنوان راهنمای مبارزه؛ بیانات آتشین امام خمینی درباره ارکان سلطنت و بساط شاهنشاهی، توجه بیشتر اقشار درگیر مبارزه را به سوی ایشان به عنوان یک رهبر قاطع و سازش‌ناپذیر جلب کرد. به علاوه حضور یک مرجع تقلید در رأس مبارزه با رژیم پهلوی توجه بسیاری از جوانان دانشگاهی و روشنفکر را به سوی عقاید دینی سوق داد.

۵- افشای چهره منافقانه شاه و بر ملا شدن رابطه وی با آمریکا و رژیم صهیونیستی؛ سخنان روشنگرانه امام خمینی در عصر عاشورا (۱۳ خرداد ۱۳۴۲) هم چهره منافقانه محمدرضا شاه را که مدعی طرفداری از مذهب و دیانت بود، رسوا کرد و هم نقش پنهانی آمریکا و اسرائیل را در امور داخلی ایران برای همگان آشکار نمود.

۱- «محور اصلی و پیام حقیقی قیام ۱۵ خرداد، این سه عنصر بود: اسلام، امام و مردم و یا پیوند امت و امام به برکت اسلام و زیرساخت

اسلام» (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مقام معظم رهبری: خطبه‌های نماز جمعه تهران: ۱۳۶۳/۳/۱۹)

پرسش‌های نمونه

- ۱- اهداف آمریکا از طرح اصلاحات اجتماعی در کشورهای تحت سلطه‌اش چه بود؟
- ۲- چه کشورهایی از رفراندوم (همه‌پرسی) شاه در سال ۱۳۴۱ حمایت کردند؟
- ۳- ساواک برای سخنرانی در ماه محرم ۱۳۴۲، چه شرایطی تعیین کرد؟
- ۴- قیام ۱۵ خرداد چه نتایج و پیامدهایی داشت؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره زندگی و شخصیت اسدالله علم، مطلبی تهیه کنید.
- ۲- یکی از حوادث و جریانات درس‌های ۲۱ و ۲۲ را انتخاب کنید و درباره آن مطلبی در چند صفحه بنویسید.

تداوم مبارزه علیه رژیم پهلوی (۱۳۴۳-۱۳۵۶ ش.)

مقدمه

پس از آزادی امام خمینی (ره) از زندان و تبعید ایشان به ترکیه و عراق جریان مبارزه وارد مرحله تازه‌ای شد و در قالب مبارزه سیاسی، فرهنگی و مسلحانه ادامه پیدا کرد. حکومت پهلوی نیز برای مقابله با مبارزان اقدامات سرکوبگرانه را در زمینه سیاسی و فرهنگی انجام داد.



ماجرای کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی (ره)
اعتراض مردم و علمای دینی به دستگیری امام خمینی سبب شد تا حکومت پهلوی بعد از ۱۰ ماه حبس و حصر رهبر نهضت، ایشان را در تاریخ ۱۶ فروردین ۱۳۴۳ آزاد کند. حضور دوباره امام خمینی در شهر قم مبارزان را به ادامه مبارزه امیدوار کرد. امام نیز با صدور اعلامیه‌ای در سالگرد قیام ۱۵ خرداد تصمیم خود را برای تداوم مبارزه تا سرنگونی سلطنت پهلوی به همگان اعلام کرد.

محمدرضا شاه و نیکسون رئیس جمهور آمریکا

اما آنچه سبب شد تا رهبر نهضت بار دیگر قاطعانه در مقابل رژیم پهلوی بایستد، تصویب قانون خفت‌بار کاپیتولاسیون بود.

براساس توافق‌نامه بین‌المللی در وین، مأموران سیاسی یک کشور در کشور دیگر از مصونیت سیاسی و قضایی برخوردار بودند و نه تنها نمی‌توان آنها را بازداشت کرد، بلکه محل اقامتشان نیز مورد حمایت و حراست بود. لیکن دولت آمریکا، حکومت پهلوی را واداشت تا دامنه این مصونیت سیاسی را به همه نظامیان و غیرنظامیان آمریکایی و خانواده‌های آنها در ایران تسری دهد. لذا قانون مصونیت قضایی آمریکاییان در سکوت خبری توسط مجلس سنا و مجلس شورای ملی به تصویب رسید و لکه ننگی بر دامن رژیم نشست.

امام خمینی که به دقت اعمال و رفتار رژیم را زیر نظر داشت، در تاریخ ۴ آبان ۱۳۴۳ در سخنرانی پرشوری در جمع مردم قم اعلام کردند که با تصویب این قانون استقلال ما را فروختند و عزت ما پایکوب شد و عظمت ایران از بین رفت.

مخالفت صریح و قاطعانه امام خمینی، رژیم پهلوی را چنان به وحشت انداخت که امام را در سحرگاه روز ۱۳ آبان ۱۳۴۳ در قم دستگیر و با یک هواپیمای نظامی به کشور ترکیه تبعید کرد. مکان تبعید بعد از ۱۱ ماه تغییر یافت و امام به عراق فرستاده شدند.

تداوم مبارزه پس از تبعید امام خمینی(ره)

الف) فعالیت و مبارزه سیاسی: با تبعید امام خمینی و دور شدن رهبری از مردم، جریان مبارزه متوقف نشد و مردم ایران با یاد و ذکر نام امام، مبارزه را در قالب حمایت مادی و معنوی از ایشان ادامه دادند. ایشان نیز در نجف اشرف به مبارزه ادامه دادند و ضمن صدور اعلامیه به مناسبت‌های مختلف و فرستادن پیام به سران و مردم کشورهای اسلامی، با تدریس درس ولایت فقیه، مبانی حاکمیت دینی را برای آینده جامعه ایران ترسیم کردند. مساجد و دانشگاه‌ها نیز به همت شاگردان مبارز و آگاه و با بصیرت امام به کانون مبارزه علیه رژیم پهلوی تبدیل شد.

در سطح تشکیلاتی و حزبی نیز جبهه ملی و نهضت آزادی ایران در چارچوب قانون اساسی فعالیت سیاسی و مبارزاتی انجام می‌دادند.

حکومت پهلوی نیز با برگزاری جشن‌های مکرر به دنبال تأیید و تثبیت نظام شاهنشاهی بود. محمدرضاشاه در اواخر سال ۱۳۵۳ ش. با تأسیس حزب رستاخیز ملت ایران به همه مردم دستور داد تا عضو این حزب شوند. امیرعباس هویدا نخست‌وزیر مطیع و بهایی مسلک شاه نیز مجری طرح‌ها و فعالیت‌های سیاسی این دوران بود.



امیرعباس هویدا در حال معرفی اعضای کابینه به شاه

ب) مبارزه فرهنگی: مبارزه فرهنگی با اتکا بر آگاهی دادن به مردم و تبلیغ و ترویج باورهای دینی به همراه روشنگری علیه اقدامات رژیم پهلوی، صورت می گرفت. امام خمینی به عنوان مرجع دینی و رهبر مبارزات اسلامی، الگوی عینی همه مبارزانی بودند که برای سرنگونی حکومت مبارزه می کردند. روحانیون، معلمان، استادان دانشگاه، دانشجویان و دانش آموزان در عرصه مبارزه فرهنگی با رژیم مشارکت فعال داشتند. اینان در مراکزی مانند مساجد، حسینیه ها و مدارس و دانشگاه ها به تبلیغ و ترویج فرهنگ دینی می پرداختند.

معروفترین چهره های فرهنگی این جبهه کسانی مانند علامه محمدحسین طباطبایی، آیت الله طالقانی، آیت الله مطهری، آیت الله دکتر بهشتی، دکتر شریعتی، دکتر باهنر و دکتر مفتاح بودند.



استاد شهید مرتضی مطهری

استاد شهید مرتضی مطهری

استاد شهید مرتضی مطهری در ۱۲ بهمن ۱۲۹۸ در فریمان مشهد به دنیا آمد. پس از تحصیلات مکتب خانه ای و ابتدایی، عازم حوزه علمیه مشهد شد. چندی بعد برای تکمیل تحصیلات خود به حوزه علمیه قم رفت. از محضر آیت الله بروجردی، امام خمینی (ره)، علامه طباطبایی

و حاج میرزا علی آقا شیرازی بهره برد. در ۱۳۳۱ ش. به تهران نقل مکان کرد و در ۱۳۳۴ ش. فعالیت علمی خود را در دانشکده الهیات دانشگاه تهران آغاز کرد. در جریان قیام ۱۵ خرداد، در روشنگری مردم تهران نقش داشت؛ به همین دلیل بازداشت و مدتی زندانی شد. در ۱۳۴۶ ش. با همراهی عده ای از فعالان مذهبی، حسینیه ارشاد را پایه گذاری کرد. باره اندازی حسینیه ارشاد، فعالیت های تبلیغی و روشنگرانه استاد افزایش یافت. او در ضمن به مشکلات جهان اسلام به ویژه مردم فلسطین توجهی خاص داشت و به همین دلیل در ۱۳۴۸ ش. مجدداً مدتی بازداشت شد. استاد مطهری با اوج گیری انقلاب، بر تلاش های خود افزود. با هجرت امام به پاریس، وی نیز به پاریس رفت. او از یاران و مشاوران نزدیک امام (ره) بود. استاد در شامگاه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ توسط گروه تروریستی فرقان به شهادت رسید. آثار پر شمار و ارزشمندی که استاد تألیف کرد، در تبیین مبانی نظری انقلاب و بیداری مسلمانان و رشد تعالی آنان و نیز مواجهه با انواع تهاجمات فرهنگی نقش بنیادی داشته است.

عمده فعالیت های فرهنگی رژیم پهلوی نیز در جهت اسلام زدایی و محو اسلام از فرهنگ ایران بود. بر همین اساس مطالب کتاب های درسی و محتوای روزنامه ها و مجلات و برنامه های رادیو و تلویزیون در جهت تبلیغ و ترویج فرهنگ شاهنشاهی و تحقیر و تمسخر فرهنگ اسلامی طراحی و تدوین می شد. در همین جهت، حکومت پهلوی تاریخ هجری شمسی را به بهانه عدم همخوانی با فرهنگ ایرانی منسوخ کرد و تاریخ شاهنشاهی را جایگزین آن نمود.

ج) مبارزه مسلحانه و واکنش رژیم پهلوی: در کنار مبارزه سیاسی و فرهنگی، گروه هایی از جوانان به سوی مبارزه مسلحانه روی آوردند. معروف ترین این گروه ها در این دوران عبارت بودند از: **۱- هیئت های مؤتلفه / اسلامی:** این هیئت ها بعد از تبعید امام خمینی با الهام از فرهنگ دینی، مبارزه مسلحانه و ترور سران حکومت پهلوی را محور کار خود قرار دادند. مهمترین اقدام آنان در این زمینه، ترور حسنعلی منصور نخست وزیر وقت بود که توسط محمد بخارایی از اعضای این گروه انجام شد. اما رژیم پهلوی نیز با تقویت ساواک و به کمک سازمان های جاسوسی آمریکا (سیا) و اسرائیل (موساد) بیشتر اعضای این گروه را دستگیر و چهار نفر از آنها^۱ را اعدام و کسانی مانند حاج مهدی عراقی را به حبس های طولانی مدت محکوم کرد. شمار دیگری از اعضای این تشکل سیاسی

۱- حاج صادق امانی، محمد بخارایی، مرتضی نیک نژاد و رضا صفارهرندی

در فاصله ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷ ش. دستگیر و محکوم به زندان و یا اعدام شدند.

۲- **حزب ملل اسلامی:** این گروه نیز با نیت برقراری حکومت اسلامی به نبرد مسلحانه روی آوردند اما کمی بعد از اعدام مبارزان هیئت‌های مؤتلفه، اعضای حزب ملل اسلامی در کوه‌های شمال تهران دستگیر و به حبس‌های طولانی محکوم شدند.^۱

۳- **سازمان مجاهدین خلق:** گروهی از جوانان عضو نهضت آزادی بعد از قیام ۱۵ خرداد، فعالیت سیاسی را کنار گذاشتند و به نبرد مسلحانه روی آوردند. آنها در آغاز دارای افکار و اندیشه‌های اسلامی بودند اما به مرور زمان دچار انحراف فکری شدند و به افکار مارکسیستی تمایل نشان دادند. در سال ۱۳۵۰ ش. بیشتر اعضای مؤثر این سازمان یا توسط ساواک دستگیر شدند و یا در تسویه حساب‌های درون گروهی از بین رفتند.

۴- **سازمان چریک‌های فدایی خلق:** این گروه از همان ابتدا با الهام از افکار مارکسیستی به مبارزه مسلحانه روی آوردند و تعدادی از آنها در درگیری با مأموران رژیم و یا در زندان به قتل رسیدند.

اقدامات سرکوبگرانه ساواک تنها محدود به گروه‌ها و افرادی که مبارزه مسلحانه می‌کردند، نبود. بلکه بسیاری از مبارزان دیگر نیز حبس و شکنجه شدند و تعدادی از آنها مانند آیت‌الله سعیدی و آیت‌الله غفاری در زندان و تحت شکنجه به شهادت رسیدند و بسیاری نیز تا پیروزی انقلاب اسلامی در زندان بودند.



شهید آیت‌الله سعیدی

۱- رهبر این گروه محمدکاظم بجنوردی بود.

به نظر شما، چرا مبارزات مسلحانه موفقیت چندانی در پی نداشت؟



آیت‌الله طالقانی

آیت‌الله طالقانی در سال ۱۲۸۹ ش. در روستای گنیرد طالقان متولد شد. ابتدا او را به مکتب‌خانه روستا فرستادند. در سال ۱۲۹۸ ش. همراه پدر به تهران رفت. دو سال بعد برای ادامه تحصیل به قم رفت. در ۱۳۱۰ ش. به نجف اشرف رفت و پس از کسب علوم دینی از علمای بزرگ نجف از سوی آیت‌الله اصفهانی به عنوان مجتهد علوم دینی معرفی شد. سپس به ایران بازگشت. در قم از آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری درجه اجتهاد گرفت. در سال ۱۳۱۸ ش. به دلیل مبارزه علیه حکومت رضاشاه دستگیر شد و مدتی را در زندان گذراند. در ۱۳۲۷ ش. فعالیت‌های خود را در مسجد هدایت تهران آغاز کرد. خیلی زود مسجد هدایت کانون توجه جوانان مسلمان و مبارزان شد. در ۱۳۳۴ ش. به نهضت مقاومت ملی که از سوی جمعی از استادان دانشگاه برای مبارزه با رژیم پهلوی به وجود آمده بود، پیوست. در سال‌های پس از کودتا که فدائیان اسلام به شدت مورد تعقیب مأموران رژیم بودند، آیت‌الله طالقانی با وجود خطرات این کار به نواب صفوی و یارانش پناه داد و آنان را پنهان کرد تا به دست مأموران رژیم نیفتند. در ۱۳۳۸ ش. از طرف آیت‌الله بروجردی مرجع شیعیان، برای شرکت در کنگره اسلامی عازم مصر شد. در آنجا با شیخ شلتوت رئیس دانشگاه الازهر و جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر، ملاقات کرد. در بازگشت به منظور تبادل نظر و



نخستین نماز جمعه تهران پس از پیروزی انقلاب اسلامی

تحلیل مسائل کشور با شهید مطهری جلساتی تشکیل داد. در ۱۳۴۰ ش. به بیت المقدس سفر کرد و از نزدیک با وضع مردم فلسطین و ستم‌های صهیونیست‌ها آشنا شد. در بازگشت همراه با مهندس مهدی بازرگان و دکتر بدالله سحابی به تأسیس نهضت آزادی اقدام کرد. چندی بعد بازداشت و زندانی شد. در ۱۳۴۶ ش. از زندان آزاد شد اما در پی ادامه مبارزات علیه رژیم پهلوی در ۱۳۵۰ ش. به زابل تبعید شد. پس از پایان مدت تبعید، به تهران بازگشت و به فعالیت‌های خود و افشاکاری علیه اعمال ضد انسانی و ضد اسلامی حکومت پهلوی ادامه داد. در ۱۳۵۴ ش. دوباره به زندان افتاد و تا آستانه پیروزی انقلاب اسلامی در زندان بود. پس از آن، همواره در کنار امام خمینی (ره) برای تثبیت حکومت اسلامی تلاش می‌کرد. در ۱۳۵۸ ش. امامت نخستین نماز جمعه تهران بعد از پیروزی انقلاب را بنا بر حکم امام خمینی بر عهده گرفت. به علاوه، آن مرحوم از سوی امام عضو شورای انقلاب و نماینده مردم در مجلس خبرگان قانون اساسی بود.

پرسش‌های نمونه

- ۱- مصونیت مأموران سیاسی در توافق نامه وین را با مصونیتی که حکومت پهلوی به آمریکایی‌های مقیم ایران داد، مقایسه کنید.
- ۲- امام خمینی (ره) در دوران تبعید، با چه فعالیت‌هایی به مبارزه خود ادامه دادند؟
- ۳- منظور از مبارزه فرهنگی چیست و چه گروه‌ها و شخصیت‌هایی با حکومت پهلوی مبارزه فرهنگی می‌کردند؟
- ۴- حکومت پهلوی در جهت اسلام‌زدایی، به چه فعالیت‌هایی دست زد؟
- ۵- چه گروه‌ها و احزابی شیوه مبارزه مسلحانه با حکومت پهلوی را در پیش گرفتند و اندیشه و افکار هر گروه چگونه بود؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره زندگی و شخصیت علامه طباطبایی مطلبی تهیه کنید.
- ۲- درباره فعالیت‌های امام خمینی (ره) در نجف مطلبی تهیه کنید.

انقلاب اسلامی ایران

مقدمه

نهضتی که با قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ علیه رژیم پهلوی به رهبری امام خمینی (ره) آغاز شد و با فراز و نشیب فراوان تا سال ۱۳۵۶ تداوم یافته بود، در سال ۱۳۵۶ چنان گسترده و فراگیر شد که در قالب یک انقلاب باشکوه در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید.

وضعیت عمومی ایران در سال ۱۳۵۶ش

فاصله روزافزونی که حکومت طاغوت را از ملت جدا ساخت، در سال ۱۳۵۶ش. به حداکثر خود رسیده بود. ضدیت این حکومت با اسلام و معنویت و اخلاق به اندازه‌ای آشکار شده بود که به اثبات نیازی نداشت. در میان مردم همه جا صحبت از دیکتاتوری شاه و ستمگری نظام شاهنشاهی بود. صدها روحانی مبارز در زندان بودند و بسیاری از استادان دانشگاه، گویندگان و دانشمندان بزرگ از جمله استاد شهید مطهری اجازه سخن گفتن در مجالس و محافل را نداشتند. پول بی حساب نفت که به‌ویژه از سال ۱۳۵۰ یک‌باره به سرعت افزایش یافته بود، سرمایه‌داران وابسته به غرب و رژیم طاغوت را در عرض مدت کوتاهی چنان تقویت کرده بود که از حد انتظار خود آنان هم بیرون بود. در عوض، محرومان و مستضعفان، کارگران و روستاییان برای گذراندن زندگی به شهرها هجوم می‌آوردند. انقلاب سفید شاه نتیجه خود را نشان داده بود که عبارت بود از: نابودی اقتصاد ایران و وابستگی به بیگانگان. درحالی که بسیاری از روستاهای ایران راه، آب آشامیدنی، برق و حتی حمام نداشتند، سرمایه‌داران آمریکایی به تهران می‌آمدند تا برای غارت ثروت ملی ما با حکومت پهلوی قراردادهای کلان منعقد کنند. رژیم طاغوت با استفاده از ساواک و نیروهای پلیسی و امنیتی خود توانسته بود تقریباً خود را از ناحیه گروه‌های مبارز مسلح آسوده خاطر سازد. زندان‌ها از زندانیان مبارز پر بود و در خارج از زندان نیز حرکت‌های پراکنده مسلحانه همچون سال‌های پیش دیده نمی‌شد.

فضای باز سیاسی

هنگامی که جیمی کارتر از حزب دمکرات در سال ۱۳۵۵ ش. رئیس جمهور آمریکا شد، برای کاهش تنفر عمومی از سیاست‌های آمریکا به شعار دفاع از حقوق بشر متوسل شد. او از محمدرضا شاه نیز خواست به تبعیت از سیاست فضای باز آمریکایی، اوضاع عمومی زندانیان را بهبود بخشد و با کم کردن شکنجه به مطبوعات اجازه دهد به طور ملایم و محدود از دولت انتقاد کنند.

جمشید آموزگار جانشین هویدا شد و مأموریت یافت تا با انتقاد از گذشته، فضای باز سیاسی را در کشور ایجاد کند. اما پیام روشنگرانه امام خمینی و بروز چند حادثه دیگر، آتش انقلاب و اعتراض مردم مسلمان ایران را شعله‌ورتر ساخت.

مرگ مشکوک دو چهره محبوب



دکتر علی شریعتی

در خرداد ۱۳۵۶ دکتر علی شریعتی به طور ناگهانی و غیرمنتظره در لندن درگذشت. مرگ او بر اوضاع ایران در سال ۱۳۵۶ تأثیر گذاشت. دکتر شریعتی با انجام سخنرانی و نگارش کتاب‌های متعدد، نقش فراوانی در طرد افکار مارکسیستی و بیداری نسل جوان و گرایش آنان به سوی اسلام و ارزش‌های اسلامی داشت. مردم مرگ او را به عمل ساواک نسبت دادند و با گرامیداشت نام و یاد او، تنفر بیشتری به رژیم پهلوی پیدا کردند.

درگذشت ناگهانی حاج آقا مصطفی پسر بزرگ امام خمینی در نجف در آبان ۱۳۵۶ نیز موج تازه‌ای از اعتراض و تنفر را نسبت به رژیم پهلوی در اذهان عمومی ایجاد کرد. حاج مصطفی روحانی دانشمند و مبارزی بود که از آغاز مبارزه امام خمینی در کنار پدر بود. با مرگ مشکوک وی، مجالس ترجم در بسیاری از شهرهای ایران برگزار شد و بار دیگر یاد و خاطره امام خمینی جان تازه‌ای به جریان مبارزه علیه طاغوت زمان داد. رهبر انقلاب نیز به مناسبت درگذشت فرزند خویش سخنرانی کردند و مرگ او را از الطاف خفیه الهی دانستند و دو قشر روحانی و دانشگاهی را به وحدت دعوت نمودند.



حاج آقا مصطفی خمینی

انتشار مقاله توهین آمیز نسبت به امام خمینی و شروع انقلاب اسلامی

چند روز پس از مسافرت کارتر به ایران و حمایت صریح او از شاه، در ۱۷ دی ۱۳۵۶ مقاله‌ای توهین آمیز علیه امام خمینی (ره) با نام مستعار رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات منتشر شد. مردم که تاب تحمل توهین به رهبر و مرجع تقلید خود را نداشتند، تنفر بیشتری نسبت به عمال پهلوی پیدا کردند.



فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما چرا رژیم پهلوی مقاله توهین آمیز نسبت به حضرت امام (ره) را چاپ کرد؟

قیام مردم قم

مردم قم در اعتراض به توهین به امام در روزنامه اطلاعات، روز ۱۹ دی ۱۳۵۶ به خیابان‌ها ریختند. طلاب و روحانیون نیز کلاس‌های درس را تعطیل و به سوی منزل‌های مراجع حرکت کردند. رژیم پهلوی با وجود تظاهر به آزادی و فضای باز سیاسی، تاب تحمل صدای معترضان را نداشت، مردم را به رگبار گلوله بست و عده زیادی را شهید و مجروح کرد.

قیام مردم تبریز

در چهل شهدای قم، مردم تبریز در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ به پا خاستند و در یکی از مساجد بزرگ این شهر تجمع کردند. این اجتماع نیز با یورش درخیمان رژیم پهلوی به خاک و خون کشیده شد.

برپایی قیام در سایر شهرها

به مناسبت گرامیداشت چهل شهدای تبریز - فروردین ۵۷ - مردم شهرهای یزد، جهرم و اهواز تظاهرات کردند که با خشونت سرکوب شدند. چهل روز بعد، مردم ۲۱ شهر ایران به پا خاستند. پیام همه این قیام‌ها، تجدید عهد با رهبری انقلاب و افزایش تنفر نسبت به نظام شاهنشاهی بود. به این جهت جمشید آموزگار مجبور شد تا در مرداد ۱۳۵۷ در اصفهان حکومت نظامی برقرار کند. این تدبیر نیز مشرثر نبود و محمدرضا شاه مجبور شد وی را برکنار کند و جعفر شریف امامی را با شعار آشتی ملی به نخست‌وزیری بگمارد.



حضور گسترده زنان ایرانی در تظاهرات

لیکن امام خمینی با ارسال پیام و افشای نیرنگ تازه رژیم پهلوی، خواهان ادامه مبارزه تا سرنگونی نظام پادشاهی در ایران شد. به همین جهت تظاهرات مردمی در شهرهای ایران ادامه پیدا کرد؛ اوج این راهپیمایی‌ها در تهران بعد از برگزاری نماز عید فطر (۱۳ شهریور) و تکرار آن در سه روز بعد با حضور گسترده و یکپارچه زنان مسلمان بود.

یک توضیح



سینما رکس آبادان

از جمله جنایات فجیعی که در ماه رمضان انجام گرفت، به آتش کشیدن سینما رکس آبادان بود. شاید جنایتکاران می‌خواستند بگویند که اگر حکومت اسلامی ایجاد شود، با مردمی که به سینما می‌روند، چه خشونت‌هایی می‌شود؛ هنوز به درستی معلوم نشده این جنایت، کار چه کسانی بوده است. امام خمینی در باره این حادثه فرمود: «من گمان نمی‌کنم هیچ مسلمانی بلکه انسانی دست به چنین فاجعه وحشیانه‌ای بزند جز آنان که به نظایر آن عادت کرده‌اند».



آثار بازمانده از جنایت سینما رکس

قیام خونین ۱۷ شهریور

حکومت پهلوی برای جلوگیری از ادامهٔ تظاهرات و اعتراض، در روز جمعه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در تهران و یازده شهر دیگر^۱ حکومت نظامی برقرار کرد. اما مردم تهران بی‌اعتنا به اخطارها و هشدارهای رژیم در میدان شهدا (ژالهٔ سابق) تجمع کردند و شعار الله اکبر - خمینی رهبر - مرگ پسر شاه سر دادند. دژخیمان پهلوی نیز مردان و زنان مسلمان را از زمین و هوا به رگبار گلوله بستند و جمع زیادی از آنان را به شهادت رسانیدند.



تظاهرات مردم تهران در شهریور ۱۳۵۷

به دنبال این جنایت هولناک، رئیس جمهور آمریکا بار دیگر به صراحت از رژیم شاه حمایت کرد.

۱- اصفهان، مشهد، شیراز، تبریز، اهواز، آبادان، جهرم، کازرون، قم، قزوین و کرج



حضرت امام خمینی در نوفل‌لوشاتو

هجرت امام خمینی از عراق به فرانسه

امام خمینی تحت فشار سیاسی و امنیتی سازمان امنیت عراق و ساواک، قصد عزیمت به کویت را داشت، اما دولت کویت حاضر به پذیرش ایشان نشد و امام به فرانسه رفت و در دهکده‌ای در حومه پاریس به نام نوفل لوشاتو ساکن شد (آبان ۱۳۵۷).

اقامت چندماهه ایشان در فرانسه دو نتیجه مهم را برای انقلاب به همراه داشت :

۱- ایشان با استفاده از امکانات تبلیغی، انجام مصاحبه و سخنرانی به افشای جنایات رژیم پهلوی پرداخت و فریاد مظلومیت ملت ایران را به گوش جهانیان رسانید.

۲- امکان ملاقات مبارزان با رهبری انقلاب فراهم آمد و پیام‌ها و بیانات امام با شتاب بیشتری در ایران منتشر شد.

حماسه ماه محرم

محمدرضاشاه یک روز بعد از سرکوب تظاهرات دانشجویان و دانش‌آموزان در دانشگاه تهران (۱۳ آبان ۱۳۵۷)، رئیس ستاد ارتش ارتشبد از هاری را به جای شریف امامی نشاند تا با برقراری حکومت نظامی و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم، جریان انقلاب را کند کند. اما شروع ماه محرم که یاد و خاطره حماسه عاشورا و قیام امام حسین (ع) را در اذهان مردم زنده می‌کرد، جریان مبارزه را وارد مرحله تازه‌ای کرد. مردم در شب اول محرم از پشت بام خانه‌ها فریاد الله اکبر، خمینی رهبر و نصر من الله و فتح قریب سر دادند. ابراز انزجار و تنفر از شاه و خاندان پهلوی در روز تاسوعا و عاشورا به اوج خود رسید و میلیون‌ها نفر در سراسر ایران از جمله در تهران با شرکت در یک تظاهرات مسالمت‌آمیز سقوط رژیم پهلوی و برقراری حکومت اسلامی را فریاد زدند.

این تظاهرات عظیم، آمریکا را به این نتیجه رساند که :

۱- دولت نظامی ارتشبد از هاری نتیجه‌ای به همراه نداشته است.

۲- مردم ایران متحد، و در اطاعت از رهبر خویش مصمم و جدی هستند.

۳- آمریکا باید برای حفظ منافع خود در ایران به فکر مهره دیگری غیر از محمدرضا شاه باشد.



راهپیمایی میلیونی مردم تهران در تاسوعای ۱۳۵۷



شاپور بختيار

دولت شاپور بختيار

محمدرضا به دستور آمریکا برای جلوگیری از ایجاد حکومت اسلامی و ممانعت از پیروزی انقلاب اسلامی، شاپور بختيار را که قبلاً عضو جبهه ملی و از مخالفان بود مأمور تشکیل کابینه کرد. لیکن این دسیسه نیز با هوشیاری امام و غیرقانونی خواندن دولت بختيار ناکام ماند و مردم با شعار - بختيار بختيار نوکر بی اختیار-، بصیرت و آگاهی انقلابی خود را به نمایش گذاشتند.

تشکیل شورای انقلاب

امام خمینی در ۲۳ دی ماه ۱۳۵۷ با ارسال پیامی تشکیل شورای انقلاب را به گوش مردم رسانیدند. این شورا که از افراد شایسته و مسلمان و متعهد و مورد اعتماد امام انتخاب شده بود، وظیفه

داشت تا زمینه را برای انتقال قدرت فراهم کند. این خبر نشان از پایان حاکمیت نظام ستم شاهی و آغاز دوره جدیدی در تاریخ ایران داشت و همگان را برای وارد کردن ضربات نهایی بر حکومت پوسیده پهلوی مصمم‌تر کرد.

فرار محمدرضا شاه و بازگشت پیروزمندانه امام خمینی به ایران

ده روز بعد از تشکیل دولت بختیار، محمدرضا شاه از ایران بیرون رفت (۲۶ دی ۱۳۵۷). فرار وی، شور و شعف مردم مسلمان ایران را بیشتر کرد. این خوشحالی با اعلام خبر بازگشت امام خمینی به ایران دو چندان شد.

ورود امام خمینی به ایران و تشکیل دولت موقت

در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، رهبر انقلاب با شکوه فراوان و با استقبال بی‌نظیر وارد ایران شد و در بهشت‌زهرا و در جوار شهیدان به خون خفته انقلاب اعلام کرد که:

«من دولت تعیین می‌کنم من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می‌کنم من تو دهان این دولت می‌زنم.» سپس در ۱۵ بهمن ۱۳۵۷ به پیشنهاد شورای انقلاب، آقای مهندس مهدی بازرگان را به عنوان اولین نخست‌وزیر دولت موقت انقلاب معرفی کرد و از همه تقاضا کرد تا از وی حمایت کنند. مردم نیز با برپایی راهپیمایی، اقدام رهبر خویش را با جان و دل پذیرفتند^۱.



استقبال باشکوه از امام خمینی به هنگام ورود به میهن اسلامی

۱- در فاصله روزهای ۱۵ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، دو دولت در کشور وجود داشت: یکی دولت موقت انقلاب اسلامی که مشروعیت و قانونی بودن خود را از حکم امام به‌دست آورده و مورد تأیید ملت بود، و دیگری دولت بختیار که مردم و کارمندان انقلابی ادارات حتی اجازه نمی‌دادند که وزیران کابینه او به ساختمان وزارت‌خانه‌ها وارد شوند.

پیروزی نهایی انقلاب

با حمله گارد شاهنشاهی به افراد نیروی هوایی که به انقلاب پیوسته بودند، تهران به یک شهر نظامی مبدل شد. رژیم پهلوی قصد داشت با برقراری حکومت نظامی در بعد از ظهر ۲۱ بهمن و شب ۲۲ بهمن به کمک نظامیان وابسته به خود و نظارت ژنرال هایزر آمریکایی با انجام یک کودتای نظامی رهبر انقلاب و اعضای شورای انقلاب را دستگیر و انقلاب را سرکوب کند. اما امام با توکل به الطاف خداوند بزرگ، حکومت نظامی را غیرقانونی اعلام کرد و مردم با کمک ارتشسانی که به انقلاب پیوسته بودند، مراکز نظامی را در تهران و شهرهای بزرگ به تصرف خود درآوردند. رادیو و تلویزیون نیز در اختیار مردم انقلابی قرار گرفت و با اعلام صدای انقلاب و پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن، زنگ سقوط نظام شاهنشاهی به صدا درآمد و مرحله جدیدی را در تاریخ این سرزمین و همه مستضعفان و مسلمانان جهان رقم زد.



شادی مردم در روز پیروزی انقلاب

- ۱- علت مطرح شدن فضای باز سیاسی از سوی رژیم پهلوی در سال ۱۳۵۶ چه بود؟
- ۲- رحلت حاج آقا مصطفی خمینی چه پیامدی در میان اقشار مختلف مردم و ادامه مبارزه با حکومت پهلوی داشت؟
- ۳- انتشار مقاله توهین آمیز روزنامه اطلاعات چه پیامدی به دنبال داشت؟
- ۴- هجرت امام خمینی از عراق به فرانسه چه نتایجی برای انقلاب داشت؟
- ۵- ادامه مبارزات مردم با حکومت پهلوی در روزهای تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷، آمریکا را به چه نتایجی رساند؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- با مراجعه به شاهدان وقایع دوران انقلاب اسلامی، درباره یکی از اتفاقات آن دوران مطلبی تهیه کنید.
- ۲- از شعارهای انقلابی سال ۱۳۵۷ مجموعه‌ای گردآوری کنید و توضیح دهید که هر شعار نشانگر چه مسائلی بوده است.